روزی که ایران به بمب اتم دست یابد چه اتفاقی رخ خواهد داد؟

جمهوری اسلامی از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ یعنی به مدت ٤٥ سال است که با ایالات متحده و بسیاری از همسایگان خود دچار اختلاف و تنش است. ایالات متحده در جریان جنگ ایران و عراق از صدام حسین پشتیبانی کرد (با وجود اینکه بغداد جنگ را آغاز کرده بود) و سپس جورج دبلیو بوش تهران را در مجموعه کشورهای موسوم به "محور شرارت" قرار داد.

استفان والت، نظریه پرداز برجسته روابط بین الملل در فارن پالیسی نوشت: آیا ایران به تسلیحات هسته‌ای دست خواهد یافت؟ اگر تهران چنین گامی را بردارد چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ پاسخ سوال نخست به شکل فزاینده‌ای مثبت است. اما پاسخ سوال دوم کاملا نامشخص است.

جمهوری اسلامی از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ یعنی به مدت ٤٥ سال است که با ایالات متحده و بسیاری از همسایگان خود دچار اختلاف و تنش است. ایالات متحده در جریان جنگ ایران و عراق از صدام حسین پشتیبانی کرد (با وجود اینکه بغداد جنگ را آغاز کرده بود) و سپس جورج دبلیو بوش تهران را در مجموعه کشورهای موسوم به "محور شرارت" قرار داد.

دولت اوباما در نهایت توافق هسته‌ای با تهران را امضا کرد، اما در عین حال با اسرائیل برای انجام یک حمله سایبری گسترده علیه زیرساخت‌های غنی سازی ایران همکاری نمود. رئیس جمهور سابق آمریکا دونالد ترامپ نیز مجوز یک حمله پهپادی را در خاک عراق صادر کرد که منجر به ترور ژنرال قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه شد و تلاش نمود تا از طریق برنامه "فشار حداکثری" حکومت ایران را تضعیف نماید.

ایران نیز در مقابل با حمایت از رژیم بشار اسد، نزدیک‌تر شدن به چین و روسیه و تجهیز و آموزش شبه نظامیان در لبنان، عراق، یمن و غزه به این اقدامات واشنگتن پاسخ داده است. همانطور که رافائل کوهن اخیرا در مطلبی نوشته، جنگ آشکار بین ایران و اسرائیل احتمالا برای مدتی طولانی ادامه خواهد داشت و به راحتی می‌تواند تشدید شود.

پتانسیل ایجاد مشکل در اینجا کاملا آشکار است، اما یک تئوریسین برجسته روابط بین الملل معتقد است راهی روشن برای کاستن از این پتانسیل وجود دارد. مرحوم کنث والتز در آخرین مقاله خود می‌نویسد، ساده‌ترین راه برای ایجاد ثبات در منطقه دستیابی ایران به بازدارندگی هسته‌ای است. او استدلال می‌کند که برخورداری از زرادخانه هسته‌ای نگرانی‌های امنیتی ایران را کاهش خواهد داد و تهران دیگر دلیل چندانی برای مشکل آفرینی برای دیگران نخواهد داشت. در آن صورت دیگر نیازی نخواهد بود که ایران برای تحت فشار قرار دادن رقبای منطقه‌ای خود به روش‌هایی توسل جوید که می‌تواند در نهایت منجر به یک تبادل آتش هسته‌ای گردد. همانطور که وینستون چرچیل در سال‌های نخست جنگ سرد گفته بود: ثبات "فرزند تناور وحشت است."

والتز بخش اصلی استدلال خود را در رساله جنجالی اش در سال ۱۹۸۱ منتشر کرده و یک تئوری بازدارندگی هسته‌ای را طرح نموده است. وی سخن خود را با این فرض رئالیستی آشنا آغاز می‌کند که دولت‌ها در وضعیت آنارشی لبنانا نگران امنیت خود هستند. در جهانی بدون تسلیحات هسته‌ای چنین نگرانی‌هایی اغلب منجر به اشتباه محاسباتی، رفتارهای پرریسک و در نهایت بروز جنگ می‌شود. تسلیحات هسته‌ای با ایجاد یک نیروی بسیار مخرب این وضعیت را تغییر داده است، به نحوی که حتی جاه طلب‌ترین و تهاجمی‌ترین رهبران نیز ناگزیر به تبعیت از محدودیت‌های تحمیل شده در نتیجه وضعیت جدید هستند. وی بازدارندگی هسته‌ای را به عنوان تضمین امنیتی نهایی می‌بیند. هیچ رهبر عاقلی تلاش نخواهد کرد که یک رقیب مسلح به تسلیحات هسته‌ای را فتح یا سرنگون سازد، زیرا این کار به نحو اجتناب ناپذیری ریسک یک حمله هسته‌ای را به دنبال خواهد داشت. هیچ منفعت سیاسی قابل تصوری ارزش تخریب کامل شهرهای خود را ندارد و حتی یک احتمال ضعیف پاسخ هسته‌ای برای بازداشتن از انجام یک حمله مستقیم به استقلال یک کشور دیگر کافی خواهد بود.

در چنین صورتی، احتمال ارتکاب اشتباه محاسباتی نیز بسیار کمتر خواهد بود، زیرا هر فردی که اندک بهره هوشی‌ای داشته باشد درک می‌کند که تاثیر تبادل آتش هسته‌ای چه خواهد بود. دولت‌هایی که از توانمندی حمله دوم برخوردارند چندان نگران تداوم بقای خود نخواهند بود، بنابراین رقابت بین آن‌ها نیز به واسطه یک ترس متقابل مهار خواهد شد. (البته این رقابت به طور کامل از بین نخواهد رفت.)

والتز نمی‌گوید که بازدارندگی هسته‌ای سرمنشاء تمام رقابت‌های امنیتی را از بین خواهد برد. وی همچنین استدلال نمی‌کند که تجهیز همه کشورها به سلاح هسته‌ای بهتر است یا اینکه گسترش سریع تسلیحات هسته‌ای امری مثبت برای نظام بین الملل تلقی می‌شود. بلکه او بر این عقیده است که گسترش آهسته تسلیحات اتمی ممکن است از برخی جهات مثبت باشد و حتی ممکن است به تلاش‌های همه جانبه برای اجتناب از آن ترجیح داشته باشد. وی معتقد است ترس متقابل از افزایش تنش بود که به ایالات متحده و شوروی کمک کرد تا از تقابل مستقیم در جریان جنگ سرد اجتناب کنند و اندازه و گستره جنگ‌های بین هند و پاکستان را که تبعات خطرناکی مشابهی تنش‌های جای در خاورمیانه را دارد محدود کرد. موضع مخالف والتز انتقادات فراوانی برانگیخت و رساله وی در نهایت منجر به تبادل نظرهای گسترده و روشنگرانه‌ای با اسکات ساگان، استاد دانشگاه استنفورد گردید. مخالفان این نقطه نظر هشدار می‌دادند که ظهور قدرت‌های هسته‌ای جدید ممکن است سبب پیدایش رهبرانی غیرمعقول و موعود گرا شود که قابل مرعوب ساختن نیستند، اما مشخص نیست که آنها غیرعاقل‌تر یا ملاحظه کارتر از رهبرانی باشند که عنان امور را در قدرت‌های هسته‌ای فعلی در اختیار دارند.

برخی دیگر نگران بودند که قدرت‌های جدید هسته‌ای ممکن است فاقد ابزارهای امنیتی پیچیده و فرآیندهای فرماندهی و کنترل موثری باشند و از این رو زرادخانه‌های آنها در معرض سرقت یا استفاده بدون مجوز قرار گیرد. برخی عناصر تندرو ادعا داشتند که قدرت‌های هسته‌ای جدید ممکن است از تهدید به استفاده از قدرت هسته‌ای برای اخاذی از دیگران یا حفاظت از خودشان در قبال تجاوز استفاده نماید هرچند که هیچ یک از قدرت‌های هسته‌ای موجود هرگز به شکلی موفقیت آمیز تئوریزه چنین کاری را انجام دهد. سایر منتقدان نیز پیش بینی کرده اند که کسب توان تسلیحاتی هسته‌ای توسط ایران منجر به این خواهد شد که همسایگان این کشور نیز مسیر مشابهی را در پیش بگیرند، اما شواهد و قرائن اولیه از شکل گیری چنین مسابقه تسلیحاتی‌ای در بهترین حالت ضد و نقیض است.

دولت آمریکا هرگز پذیرش پیشنهاد والتز را مد نظر قرار نداده و طبیعتا درباره کشورهایی مانند ایران حتی تصور چنین امری نیز بعید است. اما از سوی دیگر ایالات متحده تقریبا همواره تلاش نموده تا سایر کشورها را از توسعه زرادخانه‌های هسته‌ای شان باز دارد و تلاش زیادی را صرف دور نگه داشتن ایران از مسیر توسعه تسلیحات هسته‌ای نموده است. روسای جمهور دموکرات و جمهوری خواه بارها گفته اند که اگر ایران تلاش کند یک بمب واقعی بسازد همه گزینه‌ها روی میز است و به شکلی نامرفق تحریم‌های اقتصادی سختگیرانه‌ای را بر تهران تحمیل نموده اند تا این کشور را به سمت دست برداشتن از برنامه غنی سازی اورانیوم سوق دهند. دولت اوباما در نهایت در سال ۲۰۱۵ به توافقنامه برجام با ایران دست یافت که به موجب آن توانمندی غنی سازی تهران را به شکل قابل ملاحظه‌ای محدود می‌کرد، حجم مواد هسته‌ای ذخیره شده ایران را کاهش و نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای باقیمانده این کشور را گسترش می‌داد. اما در یک اشتباه راهبردی، دولت ترامپ در سال ۲۰۱۸ از این توافق خارج شد. نتیجه؟ ایران شروع به غنی سازی اورانیوم در سطوحی بالاتر نمود و اکنون بیش از هر زمان دیگری به دستیابی به یک بمب نزدیک شده است.

صرف نظر از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، ایالات متحده (و اسرائیل) هر آنچه در توانشان بوده انجام داده اند تا به تهران بقبولانند که بدون داشتن بازدارنده‌های خودش نمی‌تواند امنیتش را تضمین نماید. کنگره تامین مالی تلاش‌های "گسترش دموکراسی" در ایران را تقبل نموده که شامل تامین مالی گروه‌های ایرانی مخالف خارج از کشور بوده است. واشنگتن به چند تلاش ایران برای بهبود روابط پشت پا زده، با نیروی دریایی ایران در خلیج فارس درگیر شده، به شکلی عامدانه یک مقام ارشد ایرانی را ترور کرده و مجموعه‌ای از فعالیت‌های پنهانی را در درون ایران به اجرا گذاشته است. واشنگتن علنا از تشکیل اتحاد ضد ایران در منطقه پشتیبانی کرده و فاقد روابط دیپلماتیک با تهران است. هر فکری که درباره رژیم ایران کنیم و هر چه از این حکومت بدمان بیاید، این اقدامات و اقدامات دیگر بدون شک منفعت این کشور در داشتن یک عامل بازدارنده را که ۹ کشور دیگر نیز از آن برخوردار هستند افزایش خواهد داد.

اما چرا ایران هنوز از آستانه هسته‌ای عبور نکرده است؟ کسی پاسخ این سوال را نمی‌داند. یک احتمال این است که آیت الله خامنه‌ای رهبر ایران واقعا معتقد است که رد شدن از چنین خط قرمزی حقیقتا از نظر اخلاقی نادرست است. هرچند من خیلی به درستی این توضیح اعتقادی ندارم، اما در عین حال نمی‌توانم آن را به طور کامل رد کنم. همچنین این احتمال وجود دارد که رهبران ایران آنقدرها هم نگران حمله یا تجاوز مستقیم آمریکا نیستند، به ویژه با توجه به تلاش‌های فلجعه باری که واشنگتن برای تغییر رژیم در کشورهای عراق، افغانستان، لیبی و چند کشور دیگر صورت داده است. آنها ممکن است متوجه شده باشند که هیچ رئیس جمهوری در آمریکا نمی‌خواهد این خاطرات را مجددا زنده کند به ویژه علیه کشوری که تقریبا چهار برابر وسعت سرزمینی و دو برابر جمعیت عراق را دارد. ایالات متحده یک دشمن خطرناک است، اما یک تهدید وجودی نیست، پس نیازی نیست که با عجله به سمت ساخت بمب حرکت کنند. تهران همچنین ممکن است نگران تهدید یک جنگ پیشگیرانه باشد، به این نحو که آمریکا یا اسرائیل (یا هر دو) از تلاش برای سلاح هسته‌ای مطلع شوند و این منجر به حمله به زیرساخت‌های هسته‌ای ایران شود. اگر هیچ نیاز فوری و شرایط مساعدی وجود ندارد، عقل ایجاب می‌کند که ایران همچنان در آستانه اشاعه هسته‌ای متوقف باقی بماند.

اگر ایالات متحده و دیگران می‌خواهند وضعیت به روال موجود باقی بماند، باید در کنار هشدارهایشان درباره تبعات احتمالی تلاش ایران برای ساخت بمب، به این کشور درباره عدم حمله به این کشور در صورت تداوم اعمال محدودیت بر توانمندی تسلیحاتی اش اطمینان دهند. کاهش شدت جنگ پنهان بین ایران و اسرائیل نیز در این زمینه موثر خواهد بود، هرچند که دشوار می‌توان تصور کرد که دولت نتانیاهو چنین راهی را انتخاب کند یا با فشار قابل توجهی از سوی دولت بایدن برای انتخاب این مسیر مواجه گردد.

آنچه مرا نگران می‌سازد این است که اگر سطح فعلی تنش و دشمنی تداوم یابد، دشوار می‌توان باور کرد که ایران در نهایت به این جمع بندی نرسد که نیازمند یک بازدارندگی هسته‌ای است و در آن صورت کسی نمی‌داند که چه اتفاقی رخ خواهد داد. ممکن است بروز چنین شرایطی موجب به راه افتادن جنگی دیگر در خاورمیانه شود که آخرین چیزی است که همه بدان نیازمندند. اگر ایران بتواند بمب اتمی خودش را بسازد، ممکن است موجب شود که عربستان و ترکیه نیز به سراغ تولید تسلیحات هسته‌ای بروند.

اما تحقق چنین سناریویی ممکن است نتیجه دیگری نیز داشته باشد و آن تایید صحت و عقلانی بودن پیشنهاد والتز است و اینکه یک توازن هسته‌ای زمخت و خشن در خاورمیانه در نهایت منجر به این خواهد شد که کشورهای دائما در حال منازعه، مخلصمات خود را مهار کنند و به سمت همزیستی مسالمت آمیز پیش بروند. اما اگر بخواهم صادق باشم باید بگویم این یکی از آن آزمایشات علوم اجتماعی است که ترجیح می‌دهم هرگز آن را تجربه نکنم.

طالبان دشمن ما نیست

ضمیر کابلوف نماینده ویژه روسیه در امور افغانستان در دیدار با جی‌پی سینگ، دبیرکل منطقه‌ای وزارت امور خارجه هند پیرامون نتایج رایزنی‌های این دو کشور درباره افغانستان در دهلی نو به خبرگزاری تاس گفت: نمی‌خواهم بگویم که طالبان به دوست شماره یک ما (روسیه) تبدیل شده است، اما مشخصا دشمن ما هم نیست.

وی تاکید کرد که اگرچه روابط مسکو و حکومت سرپرست طالبان در حال گسترش است، اما «محدودیت‌های سیاسی خاصی هم برای این منظور وجود دارد»، با این وجود «روسیه همچنان رژیم کنونی در کابل را به رسمیت نشناخته، اما از طریق سفارت خود در کابل روابط را حفظ کرده است، به دفتر نمایندگی طالبان در روسیه در سطح کاردار اجازه فعالیت داده شده است و یک وابسته نظامی و تجاری داریم.»

در بیانیه‌ای که وزارت امور خارجه هند در باره نتایج دیدار کابلوف با مقامات هند منتشر کرد آمده است: «امروز هند و روسیه، در دهلی‌نو درباره افغانستان مذاکرات دوجانبه برگزار کردند.

ضمیر کابلوف نماینده ویژه روسیه در امور افغانستان و جی پی سینگ، نماینده مشترک وزارت خارجه هند در امور افغانستان، پاکستان و ایران، وضعیت کنونی افغانستان را مورد بحث قرار دادند و بر ضرورت ارائه کمک‌های توسعه‌ای برای رفاه مردم افغانستان تاکید کردند.» حکومت سرپرست طالبان این دیدارها را بیانگر ایجاد هماهنگی خوب منطقه‌ای دانست و افزود که کشورها با در نظر گرفتن پیشرفت و امنیت کنونی افغانستان با حکومت سرپرست طالبان همکاری کنند.

پوتین جانشینش را پیدا کرد؟

الکسی دیومین اهل کورسک در غرب روسیه به عنوان یکی از نزدیک‌ترین متحدان پوتین در نظر گرفته می‌شود و در دورهای اول و دوم ریاست جمهوری اش محافظ او بود.

دست راست جدید پوتین به یاد می‌آورد که چگونه به عنوان بادیگارد پوتین او را از دست خرسی نجات داد که قصد حمله به پوتین در مقر کوهستانی مخفی او را داشته است.

دیومین در این باره گفته بود: "طبیعتا من مسلح بودم، رئیس جمهور در طبقه بالا بود. "بنابراین من و خرس به چشمان یکدیگر نگاه کردیم و او کمی عقب رفت. در را باز کردم و تمام فشنگ تپانچه ام را زیر پایش شلیک کردم. به آن خرس رحم کردم". دیومین به طور مخفیانه در سال ۲۰۱٤ میلادی یک سرویس مخفی و عملیات نظامی را با هدف انتقال "ویکتور یانوکوویچ" رئیس جمهور سرنگون شده اوکراین از کریمه به روسیه رهبری کرد. او اخیرا در مقام فرماندار منطقه ترلا خدمت کرده بود، اما پیش‌تر در سرویس حفاظت فدرال (FSO) که از پوتین و سایر مقام‌های دولتی از جمله "ولادیمیر یلتسین" رئیس جمهور اسبق و "ویکتور چرنومیردین" نخست وزیر اسبق محافظت کرده دارای منصب بالاردهای بود. او پیش از این جانشین رئیس ستاد کل ارتش و معاون وزیر دفاع و دارای درجه سپهبدی بود.

از جمله تشریحات و علائق دیومین می‌توان به ورزش هاکی از دوران تحصیل اشاره کرد. او هم چنین مشاور در امور مدیریت یک باشگاه هاکی در شهر سن پترزبورگ است. در سال ۲۰۱۸ میلادی نام دیومین به عنوان ششمین فرماندار قدرتمند روسیه در فهرست فرمانداران قدرتمند آن کشور قرار گرفت.

پدر دیومین پزشک و ژنرال نظامی بوده که ریاست بخش اصلی پزشکی نظامی وزارت دفاع را بر عهده داشته است. مادر دیومین معلم بوده است. دیومین در در سال ۱۹۹٤ از دانشکده مهندسی عالی نظامی ورونژ فارغ التحصیل شد. آن دانشکده دارای نقش مهمی در بخشی از ناحیه نظامی مسکو بود که درگیر مقابله با تلاش‌های شناسایی دشمن بوده است. دیومین در سال ۲۰۱٤ میلادی معاون رئیس نیروهای عملیات ویژه روسیه شد که نقش کلیدی در الحاق کریمه به روسیه داشته است. تحلیلگران روس می‌گویند که او سال گذشته قرار بود به جای "سرگئی شویگو" به عنوان وزیر دفاع منصوب شود. شویگو اوایل هفته جاری از سمت خود برکنار شد. پوتین به تازگی دو سمت دستیار را ایجاد کرده و دستیار دوم او "نیکلای پاتروشف" ۷۲ ساله رئیس سابق سرویس امنیت فدرال روسیه (FSB) می‌باشد.

پاتروشف به عنوان نزدیک‌ترین دوست پوتین معمار کلیدی جنگ در اوکراین قلمداد می‌شود. او هم چنین به عنوان مغز متفکر مرگ‌های مرموز افرادی که به عنوان تهدیدی برای پوتین قلمداد می‌شوند محسوب می‌شود.

برای مثال، گفته می‌شود که او در سانحه هوایی که سال گذشته باعث مرگ "یوگنی پریگوژین" بنیانگذار گروه شبه نظامی واگنر شد نقش داشته است. براساس نتیجه یک تحقیق در مورد انفجاری که باعث سرنگونی هواپیمای حامل پریگوژین شد این طرح توسط پاتروشف برنامه ریزی و اجرا شد. پاتروشف تا این هفته دبیر شورای امنیت کرملین بود سمتی که او به نفع "سرگئی شویگو" وزیر دفاع برکنار شده ان را ترک کرد.

یکی دیگر از چهره‌هایی که به عنوان جانشین احتمالی پوتین در نظر گرفته می‌شود پسر بانکدار پاتروشف یعنی "دیمیتری" ٤٦ ساله است که اخیرا به سمت معاونت نخست وزیر ارتقا یافته است. پوتین به تازگی پاکسازی گسترده‌ای را در وزارت دفاع روسیه انجام داده است. هم چنین، "یوری کوزنتسوف" ٥٥ ساله رئیس سابق واحد حفاظت اطلاعات وزارت دفاع روسیه اخیرا به دلیل "اتهام کیفری مرتبط با اسرار دولتی" بازداشت شده است. سه مقام عالی رتبه دیگر در وزارت دفاع نیز به طور ناگهانی از مقام شان استعفا داده اند: از جمله "سرگئی تسالیکوف" ٦٧ ساله معاون اول پشتیبانی نظامی -فنی، "الکسی کریوروچکو" ٤٨ ساله و "تاتیانا شورتسوا" ٥٤ ساله که هر دو معاونان وزیر دفاع بوده اند.

اتحادیه اروپا، تایوان را به‌رسمیت نمی‌شناسد

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با اشاره به مسئله «چین واحد» صراحتا عنوان کرد که این اتحادیه، جزیره خودگردان تایوان را به عنوان «کشور» به‌رسمیت نمی‌شناسد و نخواهد شناخت.

همزمان با اینکه دولت ایالات متحده روابط غیررسمی با تایوان دارد و به این جزیره تسلیحاتی را ارسال می‌کند، تنش‌ها میان آمریکا و چین بر سر تایوان بالا گرفته است زیرا پکن، جزیره تایوان را بخشی از خاک خود می‌داند و هرگونه دخالت کشورهای غربی را در این مسئله «نقض حاکمیت» خود تلقی می‌کند.

«جوزپ بورل»، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در گفت‌وگو با نشریه «فارن پالیسی» به موضوع تایوان پرداخت و گفت: «اتحادیه اروپا باید اطمینان حاصل کند که یک جنگ نظامی بر سر تایوان ایجاد نخواهد شد.»

وی در ادامه تاکید کرد: «معتقدیم که باید تنش‌ها را کاهش دهیم. ما باید حواسمان به قانون جنگ باشد و باید هرگونه احتمال راه‌حل نظامی برای این مشکل را خنثی کنیم. موضع قاطع ما در راستای چین واحد این است که تایوان را به عنوان کشور به رسمیت نمی‌شناسیم و این کار را انجام نخواهیم داد. ما روابط فرهنگی و اقتصادی با این سرزمین خواهیم داشت، بدون آنکه آن را به رسمیت بشناسیم.»

بورل افزود که اتحادیه اروپا از تمامی کشورهای جهان می‌خواهد تا «متوجه شوند که راه‌حل نظامی برای این مشکل وجود ندارد.»

این دیپلمات اروپایی بارها خاطر نشان کرده که تایوان به لحاظ اقتصادی و به دلیل نقش راهبردی‌اش در تولید پیشرفته‌ترین نیمه‌هادی‌ها برای اتحادیه اروپا «بسیار مهم» است.

پکن اصرار می‌ورزد که مسئله تایوان یک مسئله «داخلی» است و از دولت‌های خارجی خواسته که در این موضوع دخالت نکنند. مقامات چینی بارها از واشنگتن به دلیل حمایت از جزیره تایوان، انعقاد قراردادهای دفاعی و ارسال تسلیحات به این جزیره انتقاد کرده‌اند.

جنگ جهانی سوم آغاز می شود

دونالد ترامپ می‌گوید که در پنج ماه منتهی به انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا، به دلیل بی‌کفایتی رئیس‌جمهور کنونی این کشور، ممکن است جنگ جهانی سوم آغاز شود.

«دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در جمع حامیانش در مینه‌سوتا گفت: «ما احمقی‌هایی که این کشور را اداره می‌کنند، افراد زیادی باقی نمی‌مانند، زیرا قدرت تسلیحات امروزی بسیار ترسناک است.» وی ادامه داد: «این احتمال وجود دارد که در پنج ماه آینده جنگ جهانی سوم رخ دهد چون ما افراد بی‌کفایتی داریم. خودتان می‌بینید که ما کشوری داریم که بسیار شکننده است. ما کشوری داریم که می‌تواند خیلی سریع به جنگ جهانی سوم نزدیک شود، زیرا ما مردم احمقی داریم که کشورمان را اداره می‌کنند.»

ترامپ همچنین بار دیگر مدعی شد که درگیری روسیه و اوکراین و درگیری‌های «خاورمیانه» یا «تورم بالا»، در صورتی که خودش رئیس‌جمهور بود، اتفاق نمی‌افتادند.

دونالد ترامپ بارها گفته است در صورتی که بار دیگر وارد کاخ سفید شود، می‌تواند ظرف مدت کوتاهی به جنگ اوکراین پایان دهد اما به برنامه خاصی اشاره نکرده و از طرف دیگر، «ولودیمیر زلنسکی»، رئیس‌جمهور اوکراین می‌گوید طرحی صلحی که شامل واگذاری اراضی باشد، نمی‌پذیرد.

غرب با آتش بازی می کند

سخنگوی وزارت خارجه روسیه با اشاره به حملات اوکراین به مرزهای روسیه با استفاده از تسلیحات ناتو گفت غرب با این اقدام صرفا تنش‌ها را بیشتر و با آتش بازی می‌کند.

هشدار «ماریا زاخاروا»، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه درحالی عنوان شده که اوکراین شدت حملاتش را علیه مناطق مرزی روسیه افزایش داده اما این حملات نه تنها کارساز نبوده بلکه کمبود نیرو و تجهیزات در میدان نبرد اوکراین، موجب شده تا این کشور سرزمین‌های بیشتری را از دست بدهد.

راشا تودی گزارش کرد: سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه خطاب به خبرنگاران گفته است: «چهره هدایت‌کنندگان آمریکایی و بریتانیایی رژیم زلنسکی (رئیس‌جمهور اوکراین) پشت این حملات وحشیانه به وضوح دیده می‌شوند. آنها نه تنها موشک‌های دوربرد و تسلیحات سنگین را به اوکراین می‌فرستند، بلکه به این کشور چراغ‌سبزی را جهت استفاده از این تسلیحات علیه روسیه می‌دهند.»

زاخاروا خاطرنشان کرد: «ما بار دیگر صراحتا به واشنگتن، لندن، بروکسل، سایر پایتخت‌های غربی و هم‌چنین کی‌یف که تحت کنترل آنها است، هشدار می‌دهیم و می‌گوییم که آنها با آتش بازی می‌کنند. روسیه چنین تجاوزاتی را علیه سرزمینش بی‌پاسخ نخواهد گذاشت.»

وزارت دفاع روسیه روز جمعه از دفع موجی از حملات اوکراین با ده‌ها پهپاد و شهپاد به خاک خود خبر داد. این وزارتخانه در بیانیه‌ای اعلام کرد سامانه‌های پدافند هوایی و نیروهای ناوگان دریای سیاه ارتش روسیه ۱۰۲ پهپاد را رهگیری و ٦ شهپاد را شبانه منهدم کردند.

این تلاش‌های اوکراین برای اجرای حملات به خاک روسیه در حالی صورت گرفتند که در عرصه میدان نبرد، موج جدید حملات و پیشروی‌های روسیه به ویژه در منطقه خارکیف نگرانی کی‌یف و متحدان غربی‌اش را نسبت به نزدیک شدن به شکست در جنگ را به همراه داشته است. در پی پیشروی‌های بی‌سابقه روسیه در روزهای اخیر در خط مقدم جنگ اوکراین، رئیس اطلاعات نظامی کی‌یف چند روز پیش در مصاحبه با یک روزنامه آمریکایی گفت که کشورش در جنگ «روی لبه» شکست قرار دارد.

روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز نیز در گزارشی به نگرانی آمریکا از دستاوردهای اخیر روسیه در میدان نبرد اشاره و اذعان کرد که واشنگتن سعی دارد قبل از آنکه دیر شود، حمایت خود از اوکراین را افزایش دهد.

مقامات آمریکایی مدعی هستند که در صورت تحویل کمک‌های نظامی جدید آمریکا به اوکراین، این کشور می‌تواند بخشی از پیشروی‌های روسیه در این مدت را خنثی کرده و ارتش روسیه را به عقب براند، اما حتی آمریکایی‌ها هم از ارائه تصویری نسبتا دقیق از وضعیت خطوط مقدم در آینده نزدیک هراس دارند و مشخص نیست که آیا «ولودیمیر زلنسکی»، رئیس‌جمهور اوکراین موفق خواهد شد سرانجام ضدحمله موفقی علیه روسیه انجام دهد یا خیر.

واکنش اروپا به سخنان خرازی:
تشدید تنش‌ها به نفع هیچ کس نیست

سخنگوی ارشد کمیسیون اروپا درباره سخنان «کمال خرازی»، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی پیرامون احتمال تغییر دکترین هسته‌ای کشورمان ادعا کرد که تشدید تنش‌ها به نفع هیچ‌کس نیست. وی همچنین تصریح کرد که «جوسپ بورل»، مسئول سیاست خارجی اتحادیه و تیم او، همچنان برای ازسرگیری اجرای کامل توافق سال ۹٤ تلاش می‌کنند. پیتر استانو این مطلب را طی مصاحبه با شبکه رادیویی «اروپای آزاد» مطرح کرد و مدعی شد: هدف ما همواره این بوده است که از طریق راه‌حل دیپلماتیک، از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری کنیم.

این مقام اروپایی در تداوم ادعاهای سیاسی درباره برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان افزود: ما از ایران می‌خواهیم مسیر هسته‌ای خود را تغییر داده و گام‌های مشخصی را در این زمینه، مانند بهبود فوری سطح همکاری‌های خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بردارد. استانو همچنین درباره سخنان «کمال خرازی»، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی پیرامون احتمال تغییر دکترین هسته‌ای کشورمان ادعا کرد که تشدید تنش‌ها به نفع هیچ‌کس نیست. خرازی پیشتر در مصاحبه با شبکه الجزیره قطر تصریح کرد: در صورتی که رژیم صهیونیستی جسارت کند و به تاسیسات هسته ای ایران لطمه بزند، سطح بازدارندگی ما متفاوت خواهد شد و اگر موجودیت ایران تهدید شود، ناچاریم دکترین هسته‌ای خود را تغییر دهیم.